



بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دینی در جوانان ۱۸-۲۸ ساله استان مرکزی

ساره دلشاد^۱
محمد حسین پوریانی^{۲*}
محمود شهیدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

چکیده

جامعه‌پذیری دینی جریانی است که از طریق آن فرهنگ دینی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد. هدف پژوهش حاضر آن است که عوامل جامعه‌شناختی موثر بر جامعه‌پذیری دینی را بررسی نماید. چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی از نظریه‌های ابعاد دینداری گلاک و استارک، گروه مرجع، گیدنز، و بوردیو است. روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایشی از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از دو روش اسنادی-کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۸-۲۸ سال استان مرکزی است. نتایج نشان می‌دهد سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، میزان ترغیب مدرسه به فعالیت‌های دینی، میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها، میزان مذهبی بودن دوستان، میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی، خانواده مذهبی و وضعیت رفاهی منطقه زندگی از عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دینی هستند. یافته‌های تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که اثر خالص متغیر سرمایه اجتماعی بیش از دیگر متغیرهای مستقل می‌باشد.

مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۲۲ نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۰۸ نیز نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مستقل، ۵۰/۸ درصد یعنی نیمی از واریانس متغیر میزان جامعه‌پذیری دینی را پیش‌بینی می‌کنند.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری دینی، جوانان، دین، خانواده، گروه دوستان، رسانه، مدرسه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. sare.delshad66@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. (نویسنده مسئول). mhpouryani@yahoo.com

^۳ استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. mahmoodshahidi@yahoo.com

مقدمه

مفهوم عام جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری دینی از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی تلقی می‌گردد. هم عقیده با پلوس^۱ (۲۰۰۷) جوامع و گروه‌ها با بهره‌گیری از استراتژی جامعه‌پذیری ویژگی‌های خود را به تازه واردین منتقل می‌کنند و بدین طریق جامعه اطمینان خاطر حاصل می‌کند که رفتار این تازه واردها انسجام اجتماعی و وحدت گروهی را به مخاطره نخواهد انداخت. در طی فرایند جامعه‌پذیری، نظام شخصیتی در رابطه دیالکتیک بین انتظارات اجتماعی و خواست‌ها و نیازهای فردی، شکل می‌گیرد. در این فرآیند، قطب‌های مهمی ایفای نقش می‌کنند. شناسایی این قطب‌ها و میزان و نوع نقش آفرینی آنها از خانواده گرفته تا گروه همسالان، نظام آموزش و پرورش، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، گروه‌ها و ... از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت جامعه‌پذیری به حدی است که به عقیده پیتر برگر^۲ (۱۹۶۷) جهان معاصر در سیطره گروه‌های قدرتمندی است که برای تصاحب مکانیسم‌های فرآیند جامعه‌پذیری با همدیگر رقابت می‌کنند (فروتن، ۱۳۹۲: ۷۴). برای درک مفهوم و اهمیت جامعه‌پذیری دینی ابتدا باید مفهوم دین را بازشناسی کرد. از نظر لغوی دین واژه‌ای عربی و در معنای پاداش و جزا به کار رفته است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۳۸۰). در فارسی پهلوی دین به معنای کیش آمده است (معین، ۱۳۹۲). از نظر اصطلاحی، دین متشکل از مجموعه‌ای اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر واحد یا متکثر، مشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظایر آن تلقی کرد. بر این اساس تمام پدیده‌های فرهنگی که دین می‌نامیم در قالب این تعریف می‌گنجد (پیشگر، ۱۳۸۷: ۸۹). دین از منظر فردی، شبکه‌ای از اعتقادات پیچیده به نیروهای ماوراء طبیعی است و از منظر لحاظ اجتماعی نیز شبکه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس آن اعتقادات مختلف شامل مفاهیم و احکام و شعائر مخصوص فراهم آمده‌اند (اگ، برن و نیم، کف، ۱۳۵۲: ۳۶۲).

جامعه‌پذیری دینی همچون مفهوم کلی و عام جامعه‌پذیری یک فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است؛ با این تفاوت که این یادگیری معطوف به یک جهان دینی و فضای مقدس است. انسان‌ها به تدریج یک زبان دینی را فرا می‌گیرند که آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ویژه‌ای همچون خدا را درک نمایند، آنان یاد می‌گیرند که مکان‌های ویژه و مقدسی (مانند مسجد) وجود دارند که

^۱ Plus

^۲ Berger, P. L.

با مکان‌های دیگر مانند خانه تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که کتاب‌های ویژه و مقدسی (مانند قرآن) وجود دارند که با کتابهای دیگر تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که انسان‌های ویژه و مقدسی (مانند پیامبران و امامان) وجود دارند که با انسان‌های معمولی تفاوت دارند. بر این اساس، جامعه‌پذیری دینی را فرآیند آموزش و یادگیری می‌توان تلقی نمود که از طریق آن انسانها می‌آموزند جهان را به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی بنگرند (اینسکیپ^۱، ۱۹۸۸: ۱). از منظری دیگر، برخی اندیشمندان، جامعه‌پذیری دینی را «پایه‌های اجتماعی دین تعریف کرده‌اند» (کورنوال^۲، ۱۹۸۷).

در مطالعه جامعه‌پذیری دینی، گروه سنی جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند توافق کلی درباره مفهوم جوان نیست، اما از دیدگاه جامعه‌شناسی، «جوانی» دوره‌ای در زندگی هر فرد است که با بلوغ جسمی در حدود ۱۳ سالگی شروع می‌شود. جوانی، مفهومی زیست‌شناختی است، اما دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. دوره‌ای که فرد شرایط لازم برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی را کسب می‌کند و صاحب هویت اجتماعی و شخصی می‌شود (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴). برای افراد گروه سنی ۱۸-۲۸ سال، مفهوم «فرا بلوغ» یا «فرا بالغ» متداول شده است. ج.ر. گیلیس^۳ در کتاب «تاریخ جوانان»، این دوره از زندگی جوانان را «دوره بلوغ بدون پایه اقتصادی» می‌نامد (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۵). اهمیت مطالعه این گروه سنی از آنجا ناشی می‌شود که نتایج تثبیت جامعه‌پذیری دینی به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری پایه‌ای دوران کودکی در این دوران قابل ردیابی است.

فرآیند جامعه‌پذیری دینی فرد، حاصل تاثیر مجموعه‌ای از متغیرهای متنوع و پیچیده است که در طول حیات انسان، ایستارهای دینی او را تشکیل می‌دهند. در کنار نظام آموزش و پرورش رسمی، نظام‌های آموزشی غیررسمی نیز در فرایند جامعه‌پذیری دینی ایفای نقش می‌کنند؛ اما تاثیرات این نهادها گاهی نه تنها در جهت هم‌افزایی نیست، بلکه درست متضاد با آنها، القا کننده مفاهیمی متضاد است. این مساله با ظهور رسانه‌های جدید به ویژه پیام رسان‌های شبکه‌های اجتماعی، رقبای سختی را در مسیر جامعه‌پذیری رسمی خلق کرده است. از طرف دیگر جامعه ایران پسانقلابی، در طول چهار دهه خود، فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی مختلفی را طی

^۱ Inskip K. W

^۲ Cornwall, C

^۳ J.R.Gillis

کرده است که تأثیرات آنها را در جامعه‌پذیری دینی نمی‌توان انکار نمود. این تحولات می‌تواند به خلق فرهنگ دینی تازه‌ای منتهی شود که پیشتر اثری از آن نبوده است.

نگاهی به تحولات اجتماعی و سیاسی سالهای اخیر کشور، به ویژه ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی اخیر کشور نشان می‌دهد جامعه ایران با اختلال در جامعه‌پذیری دینی مواجه شده است. این ادعا از آنجا قابل پیگیری است که پایگاه اصلی و فعال این ناآرامی‌ها را عمدتاً زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان در شهرهای بزرگ و کوچک، به‌ویژه در تهران و استان‌های نزدیک به آن از جمله استان مرکزی تشکیل می‌داد. صرف‌نظر از فشارهای خاص جنسیتی و نسلی، وجه مشترک جوانان معترض آن است که بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی خود را قربانی شرایط نامطلوب موجود می‌بینند. آنها به شکل‌های مختلفی سرریز مسائل و بحران‌های عمومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود را هم در سطح جامعه و هم در درون خانواده‌های خود تجربه می‌کنند. به علاوه، آنان یک نظام آموزشی غیر جذاب و خسته‌کننده را پشت سر گذاشته و یا می‌گذرانند؛ با آگاهی نسبی بر وضعیت موجود کشور و به‌ویژه بازار کار، آینده روشنی را پیش چشم خود نمی‌بینند؛ و سرانجام این که اندک فرصت‌های تفنن و تفریحاتشان را تحت کنترل و فشار مضاعف از سوی نهادهای حکومتی می‌بینند (دلوری، ۱۴۰۲).

این اختلال در جامعه‌پذیری دینی در شهرهای استان مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این استان منطقه‌ای صنعتی و از نظر شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی در مقایسه با دیگر مناطق ایران توسعه یافته‌تر است. از طرف دیگر تحولات اجتماعی و سیاسی آن به علت نزدیکی آن به تهران، متأثر از آن می‌باشد. این مساله در ناآرامی‌های اخیر نیز قابل لمس و نیازمند تحلیل عمیق اجتماعی و سیاسی بود. این مساله ما را با این چالش مواجه می‌کند که جوانان این استان تا چه حد به ارزش‌های دینی که فرهنگ رسمی کشور آن را توصیه و باز نشر می‌کند باور دارند. به عبارت دیگر آیا فاصله‌گیری جوانان این استان از ارزش‌های مذکور به حد هشدار رسیده است.

اگر نتایج پژوهش حاضر مویدی بر اختلال در فرایند جامعه‌پذیری دینی باشد در آن صورت لازم خواهد بود یا در محتوای ارزش‌هایی که از طریق جامعه‌پذیری دینی به جوانان منتقل می‌کنیم و یا کارکرد نهادهای مرتبط با جامعه‌پذیری تجدید نظر کرده و اصلاحات عمیق اعمال کنیم. هرچند با نگاهی آسیب‌شناسانه به تضعیف اخلاق در سطح جامعه و در ارزیابی‌های عمومی می‌توان به اختلال در فرایند جامعه‌پذیری نیز اشاره نمود.

دین عنصر معنابخشی به وجود انسان و جهان محسوب می‌شود. هم عقیده با پیتر برگر، انسانها به جهت ناقص بودن ساختار غریزی‌شان، در طی قرون تلاش کرده‌اند تا از طریق دین، وجود خود

و جهان را معنادار سازند (علم، ۱۳۸۶: ۶۷). ضمن آنکه، دین یکی از بنیادی‌ترین عناصر فرآیند جامعه‌پذیری نیز تلقی می‌شود.

انتخاب استان مرکزی به عنوان جامعه هدف و مطالعاتی این پژوهش، علاوه بر علایق پژوهشگر به استان بومی، دلایل جامعه‌شناختی نیز دارد. استان مرکزی با دارا بودن ۱۲ شهرستان دارای بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت است. این استان، زادگاه مشاهیر و و بسیاری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی ایران زمین است. هرچند استان مرکزی، پایتخت صنعت ایران است، متأسفانه در سه دهه اخیر توازن در توجه به حوزه فرهنگ دینی در قیاس با سایر بخش‌ها کم‌رنگ بوده و رعایت نشده است. برخی مسئولین استان معتقدند حوزه جوانان در استان مرکزی مغفول مانده است (سجادی، ایسنا، ۴ مهر ۱۳۹۸). از ویژگی‌های امروز نسل جوان، کم‌طاقتی و پرسرعتی است. اگر فاصله بین نسلی سبب شکاف شود و جامعه نتواند آموزه‌های مد نظر دینی خود را به نسل جدید منتقل کند تقابل فرهنگی ایجاد می‌شود. کنترل این تقابل فرهنگی، نیازمند تقویت بنیان‌های جامعه‌پذیری دینی در جامعه است و نخستین گام در این کار شناخت وضعیت جامعه‌پذیری دینی در جوانان استان و شناخت عوامل موثر بر آن است. بر این اساس در این پژوهش قصد داریم به پاسخ سوال کلیدی زیر دست یابیم: عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دینی جوانان کدامند؟

پیشینه پژوهش

برخی مطالعات و تحقیقات مرتبط با حوزه جامعه‌پذیری دینی در زیر مرور شده‌اند: پژوهش ایازی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «جامعه‌پذیری دینی در آموزه‌های قرآن مطالعه موردی نهاد خانواده» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به استخراج و تفسیر اجتماعی گزاره‌های جامعه‌پذیری دینی و مباحث پیرامونی آن در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های قرآن می‌پردازد. زمینه‌های جامعه‌پذیری در این نهاد مورد بررسی قرار گرفته، عناصر ساختی والدین و فرزندان در فرایند جامعه‌پذیری مورد توجه قرار گرفته‌اند و از دیگر سو، از اهمیت احساسات و عواطف خویشاوندی غفلت نشده و به پایگاه اجتماعی مطلوب خانواده در سطح کلان نظام اجتماعی توجه شده است. عواملی مانند تجانس فرهنگی و استمرار بر انجام مناسک دینداری به منظور تثبیت درونی سازی عناصر دینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به کارکردهای جامعه

^۱ گزارش ایسنا از احمد سجادی مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استانداری مرکزی در نشست هیات اندیشه ورز جوانان استان مرکزی

پذیری مانند اصلاحات خویشاوندی و در سطح کلان اجتماعی اشاره شده و مورد پردازش قرار گرفته است.

نتایج پژوهش فروتن (۱۳۹۲) با عنوان «استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران» نشان می‌دهد گرایش مذهبی در همه کتاب‌های درسی مورد مطالعه بسیار برجسته است؛ با این همه، بررسی‌های تطبیقی ادیان و مذاهب گوناگون نیز نشان دهنده تفاوت‌های معنی‌داری است. به علاوه، الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی مناسبات بین مذهب و جنسیت در کتاب‌های درسی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در مجموع، نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که نظام آموزشی و منابع درسی به عنوان یک ابزار مناسب «استراتژی جامعه‌پذیری» و مکانیسم رسمی بازنمایی «انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج تحقیق حکیم زاده و موسوی (۱۳۸۷) مبتنی بر تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوره راهنمایی نشان می‌دهد که ارزش‌های دینی مرتبط با مقوله‌های اعتقادی و عبادی غلبه چشم‌گیری در این کتاب‌های درسی دارند، درحالی‌که ارزش‌های دینی مرتبط با مقوله‌های اجتماعی اخلاقی و اقتصادی کمتر در این کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته است.

نتایج پژوهش مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) در زمینه برنامه‌های درسی تربیت دینی دوره متوسطه نشان داده‌اند که این برنامه‌های درسی از کارآمدی مناسب در راستای تربیت دینی دانش‌آموزان برخوردار نیستند و به همین جهت بازنگری در الگوی آموزش دینی در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان را مورد تأکید قرار داده‌اند.

کوهن، اسکاچر و ریچ^۱ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «معلمان و جامعه‌پذیری دینی نوجوانان: مقدمات پروسه شکل‌گیری هویت دینی معنادار» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که علاوه بر دینداری والدین، برداشت نوجوانان از معلمان به عنوان یک مدل رفتاری و همچنین مطالعات دینی نوجوانان، متغیرهای تأثیرگذار و معناداری در هویت دینی دانش‌آموزان می‌باشد. تحقیقات عموماً این موضوع را برجسته کرده‌اند که والدین به عنوان عوامل اصلی جامعه‌پذیری دینی شناخته می‌شوند در حالیکه نظریه تأثیر مستقیم آموزش دینی بر روی جامعه‌پذیری دینی کودکان کمتر پشتیبانی می‌شود، ارزیابی درک نوجوانان از صفات معلمان و ویژگی‌های محیط مدرسه‌شان این موضوع را مشخص می‌کند که معلمان و مدارس تأثیر شگرفی بر روی هویت دینی دانش‌آموزان حتی بعد از در نظر گرفتن جامعه‌پذیری دینی توسط والدین دارند.

^۱ Cohen-Malayev, Schachter & Rich

نتایج تحقیق هامپلوا و نسپور^۱ (۲۰۰۹) با عنوان «فرآیند جامعه‌پذیری دینی در جمهوری چک» نشان داد که، در مقایسه با عوامل اجتماعی و جمعیت شناختی، جامعه‌پذیری دینی یک فرد نقش به مراتب مهمتری در تعیین نوع و کیفیت جهان بینی وی دارد.

نتایج پژوهش کولت سابی^۲ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد منابع اصلی و سنتی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی عبارتند از مدارس، خانواده و مؤسسات و نهادهای دینی (مانند مساجد).

نتایج پژوهش پارک و ایکلود^۳ (۲۰۰۷) با عنوان "تداوم مذاکره: خانواده و جامعه‌پذیری دینی برای نسل دوم آسیایی - آمریکایی‌ها به نقش خانواده‌ها بعنوان عامل اصلی تأثیرگذاری بر روی دینداری اشاره می‌کند. مادران و پدران بیشتر اوقات اولویت اول هستند و سپس خویشاوندان نزدیک، خواهر و برادران و اقوام که از آنها به عنوان "تقویت کننده"، "جایگزین" و "ایجاد تضاد" در مقابل نقش والدین در فرآیند جامعه‌پذیری یاد می‌کند، این نقش‌ها در خانواده‌ها با توجه به درجه ناهمگنی و همگنی تعهد مذهبی و وابستگی‌های مذهبی، بر جامعه‌پذیری دینی تأثیر گذارند.

نتایج تحقیق هیمل فارب^۴ (۲۰۰۵) در زمینه «فرآیند جامعه‌پذیری دینی در میان گروه‌های مذهبی در امریکا» نشان داد که چهار عنصر اصلی فرآیند جامعه‌پذیری دینی عبارتند از: خانواده (در واقع، تأثیر والدین بیشتر نوعی تأثیر غیرمستقیم است تا تأثیر مستقیم)، آموزش دینی در مدرسه (که به طور چشم گیری هم دارای تأثیر مستقیم هم تأثیر غیرمستقیم است)، تجربیات دوره کودکی، تجربیات دوره بزرگسالی.

میچنر و همکاران^۵ (۱۹۹۰) معتقدند برای اینکه بتوانیم به شناخت بهتری نسبت به فرآیند جامعه‌پذیری دست یابیم باید حداقل چهار عنصر را مورد توجه قرار دهیم: منبع جامعه‌پذیری (که می‌تواند شخص یا نهاد آموزشی باشد)، فرآیند آموزش و یادگیری، هدف (که همان افرادی هستند که قرار است جامعه پذیر شوند)، نتیجه و محصول فرآیند جامعه‌پذیری.

نتایج تحقیق هانسبرگر و براون^۶ (۱۹۸۴) بر روی ۸۳۸ دانشجوی رشته روانشناسی نشان داد که از نقطه نظر این پاسخگویان، خانه و خانواده عنصر و منبع مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی است. آنان معتقدند که والدین، به ویژه مادر، نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جهت گیری مذهبی و

^۱ Hamplova, D. and Nespor, Z. R.

^۲ Collet Sabe, J.

^۳ Park & Ecklund

^۴ Himmelfarb, H. S.

^۵ Michener, H. A., et al.

^۶ Hunsberger, B. and Brown, L. B.

فرآیند جامعه‌پذیری دینی دارند. این الگو می‌تواند یادآور وضعیت مثال زدنی ماکس وبر و نقش کلیدی مادرش در تربیت دینی وبر باشد که بعدها در نظریه‌های ماکس وبر در حوزه جامعه‌شناسی دین از جمله اثر مشهورش تحت عنوان «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» نقش مهمی ایفا کرد.

نتایج تحقیقات جارویس^۱ (۱۹۷۴) در بریتانیا نشان داد که فضای دینی و معنوی حاکم بر کلاسهای درس و مجموعه مدرسه از اهمیت زیادی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان برخوردار است.

در بحث پژوهش‌های انجام یافته باید به چند نکته اشاره نمود:

در تحقیقات داخلی و خارجی، جامعه‌پذیری دینی از مناظر مختلف اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. اغلب تحقیق‌هایی که در این زمینه انجام شده است، به صورت همه‌جانبه به عوامل اجتماعی موثر بر این مسأله توجه نکرده‌اند. اکثر پژوهش‌های انجام یافته، نوآوری خاصی در این حوزه ندارند و با تکرار نتایج پژوهش‌های پیشین به اندوخته‌های ما در این حوزه چندان که باید نیفزوده‌اند. بر این اساس هرچند درباره جامعه دینی مباحث بسیاری مطرح شده است، اما درباره عوامل موثر بر «جامعه‌پذیری دینی جوانان استان مرکزی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آنها»، پژوهشی علمی انجام نگرفته است.

تحقیقات پیشین در زمان‌ها و مکان‌های خاص خود صورت گرفته است که تعمیم نتایج حاصل شده را در جامعه مورد تحقیق (جوانان استان مرکزی) با شرایط کنونی دشوار می‌کند. تعمیم نتایج پژوهش‌های خارجی به جامعه آماری پژوهش حاضر به علت تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی عملی نیست.

در تعمیم نتایج پژوهش‌های داخلی نیز هم به علت فاصله زمانی انجام پژوهش‌ها و هم به علت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی با احتیاط عمل نمود. با توجه به اینکه تحولات فرهنگی و اجتماعی نسل‌ها هر ۵ سال یکبار تجدید می‌شود انجام پژوهش‌های جامعه‌پذیری در فواصل زمانی نزدیک ضرورت دارد. در فاصله زمانی انجام پژوهش با پژوهش‌های انجام یافته تحولات مهم فرهنگی و اجتماعی روی داده است. در دهه نود، کشور ما تغییرات گسترده‌ای را سپری کرده است که مهمترین آن گسترش شبکه‌های اجتماعی و نفوذ پیام‌رسانه‌ای فضای مجازی در زندگی

^۱ Jarvis, P.

روزمره مردم است. به عبارت دیگر رقبای جدی و جدیدی در عرصه جامعه‌پذیری ظهور کرده‌اند که کمیت و کیفیت آن را دگرگون کرده‌اند.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه ابعاد دینداری گلاک و استارک^۱ و نظریه‌های بورديو، گیدنز، آرنت، و گروه مرجع است. در زیر موارد کاربرد نظریه‌های مورد استفاده در تبیین ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه تشریح شده است:

هر چند جامعه‌پذیری دینی توسط اندیشمندان مختلف تعریف شده است اما درباره تعیین ابعاد آن دیدگاه مشخصی وجود ندارد. یکی از مشهورترین الگوهای که برای تعریف دینداری مطرح شده، الگوی گلاک و استارک است و این الگو با تأکید بر چندبعدی بودن مفهوم دینداری، علاوه بر آنکه منشأ مباحثی در این زمینه شده، ادبیات مربوط به این موضوع را نیز پربار کرده است (سراج زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۵۹). نظریه گلاک و استارک هرچند درباره عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دینی نمی‌پردازد اما در تعیین ابعاد مختلف جامعه‌پذیری دینی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این دو نظریه‌پرداز ویژگی‌های متفاوتی برای دینداری دستچین و آنها را حول پنج حوزه اعتقادات، مناسک، تجربیات دینی، پیامدهای دینداری و دانش‌های دینی جمع کرده‌اند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دینداری ساخته‌اند (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰).

از نظریه‌های مختلف می‌توان در شناسایی عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر جامعه‌پذیری بهره گرفت؛ اما این متغیرها متأثر از متغیرهای زمینه‌ای نیز هستند که تأثیر این متغیرها را تعدیل یا تشدید می‌کنند. بورديو، مساله جامعه‌پذیری جوانان، روابط نسلی و تضاد و تقابل میان نسل‌های مختلف را از دیدگاه کلان و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌کند. وی معتقد است که تقسیم قدرت و طبقه بندی براساس سن، همانند جنسیت و طبقه، در واقع در پی ایجاد نظم است که در آن هرکس سر جای خودش قرارگیرد. به نظر بورديو، سن یک واقعیت بیولوژیکی است که از نظر اجتماعی دستکاری و در جهت مقاصد خاص از آن استفاده یا سوء استفاده می‌شود (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۴۵-۱۴۴). ویژگی بارز جامعه‌شناسی بورديو این است که نسل را به عنوان یک ساخته اجتماعی، حاصل تضاد بر سر منابع اقتصادی و فرهنگی در داخل یک میدان معین می‌داند. بر این مبنا، عامل مهم موثر بر جامعه‌پذیری از دیدگاه بورديو میدان در اختیار فرد است. این تأثیر

^۱ Glock, Charles Y, & Rodney, Stark

بر اساس رابطه دیالکتیک میان عاملیت و ساختار در نظریه بوردیو قابل تبیین است (ریتزر، ۱۳۸۳: ۷۲۲-۷۲۶). بر اساس نظریه بوردیو می‌ادینی که در زندگی فردی و اجتماعی جوانان تشکیل می‌شود ساختار عمل آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، این میادین شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی فرد، و وضعیت رفاهی منطقه مسکونی است.

تاثیر متغیرهای خانوادگی بر جامعه‌پذیری دینی بر اساس نظریه‌های آرنت، نظریه گروه‌های مرجع قابل تبیین است. بر اساس نظریه آرنت میزان توزیع قدرت در خانواده و میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی می‌تواند بر میزان جامعه‌پذیری دینی جوانان موثر واقع شود. از طرف دیگر جوانان در تطابق نگرش‌ها و فعالیت‌های دینی خود به خانواده به عنوان مهمترین گروه مرجع توجه دارند و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند. تحصیلات والدین، وضعیت شغلی والدین، میزان دینداری خانواده و میزان فعالیت مذهبی خانواده (خانواده مذهبی) بر اساس نظریه آرنت از جمله ویژگی‌های خانواده هستند که بر جامعه‌پذیری دینی فرزندان موثر هستند (آرنت، ۱۹۹۵: ۶۱۸-۶۱۹).

نظریه گروه مرجع همچنین ابزاری در اختیار ما قرار می‌دهد که تاثیر نهادهای دینی، آموزشی و گروه همسالان را بر جامعه‌پذیری دینی تبیین کنیم. گروه مرجع عنصر مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری است، زیرا می‌تواند رفتار و شخصیت فرد را با همان قدرت هر گروه دیگری که شخص به آن احساس وفاداری می‌کند، شکل دهد. گروه‌های مرجع دو نقش مهم هویت دهی و قضاوتی را ایفا می‌کنند (کوپر و کوپر^۱، ۱۹۹۶: ۷۲۳؛ صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰). خانواده برای جوانان مهمترین گروه مرجع در جامعه‌پذیری است. خانواده به عنوان گروه مرجع تأثیر زیادی در کنشها، رفتارها، انگیزه‌ها و تصورات، داوری‌ها و پیش‌داوری‌ها و جهت‌گیری‌های جوانان و به طور خلاصه جامعه‌پذیری آنها دارد. از طرفی در کنار خانواده روندهایی کلی وجود دارد که در جامعه‌پذیری جوانان دارای اهمیت بسیار است. گروه‌های همسال و رسانه‌ها در کنار مراکز آموزشی به صورت رقیبی برای جامعه‌پذیری جوانان در محیط خانواده در آمده‌اند. (شفرز، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

بر اساس نظریه گیدنز، ساختار نهادهای جامعه‌پذیری شامل نهاد خانواده، نظام‌های آموزشی، نهادهای دینی و سیاسی و ... مجموعه‌ای از قواعد، منابع و فعالیتهای تولید و بازتولید کنش اجتماعی است. جوانان با توجه به نیازهای خود بر اساس سلسله مراتب نیازهای مازلو، انگیزه‌هایی برای کنش دارند. آنان با توجه به قواعد و منابع و فعالیتهای موجود، راه‌هایی را برای تولید و بازتولید فعالیتهایشان در پیش می‌گیرند. اگر جامعه‌پذیری دینی جوانان در راه‌های تولید و بازتولید

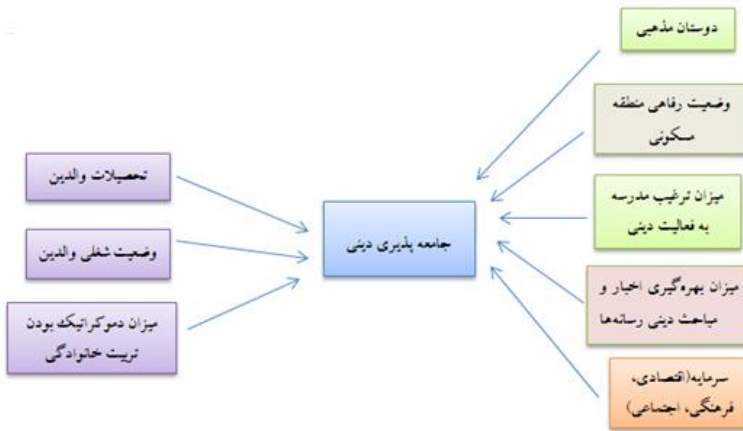
^۱ Kuper, A. and Kuper, J.

فعالیت‌های منجر به رفع نیازهای اساسی مانع ایجاد کند آنها در مقابل جامعه‌پذیری دینی مقاومت خواهند کرد و راه‌های دیگری برای رفع نیازهای خود خواهند یافت که ممکن است با قواعد نهادهای جامعه‌پذیری در تضاد باشد. خواص ساختاری (قواعد و منابع) نهادهای جامعه‌پذیری، هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص به گونه‌ای واگشتی به نهادهای جامعه‌پذیری می‌دهند. فعالیت‌های مرتبط با جامعه‌پذیری دینی جوانان مطابق با قواعدی صورت می‌گیرد که از خواص ساختاری نهادهای جامعه‌پذیری منشاء گرفته است. اگر بین این قواعد با منابعی که نهادهای جامعه‌پذیری دینی در اختیار جوانان قرار می‌دهند هماهنگی وجود نداشته باشد پیامدهای آن، خود را در عملکرد دینی جوانان نشان خواهد داد.

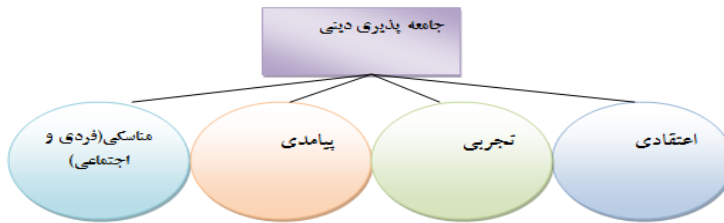
رسانه‌ها در کنار ارزش‌ها و هنجارهایی که توسط نهادهای رسمی چهره به چهره ارائه می‌شود ارزش‌های و هنجارهای دیگری را در اختیار فرد قرار می‌دهند که ممکن است با این ارزش‌ها و هنجارها در هماهنگی قرار نداشته باشد. در نتیجه روند جامعه‌پذیری دینی جوانان با آنچه سیاستگذاران فرهنگی کشور انتظار دارند پیش نخواهد رفت. نظریه‌گیندز نیز به ما کمک می‌کند تا تاثیر رسانه‌ها را بر جامعه‌پذیری دینی بهتر درک کنیم. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۳). جوانان به کمک رسانه‌های شبکه‌های مجازی مانند تلگرام، واتساب، و اینستاگرام در کنار ارزش‌ها و هنجارهایی که توسط نهادهای رسمی چهره به چهره ارائه می‌شود ارزش‌ها و هنجارهای دیگری را در اختیار دارند که ممکن است با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در هماهنگی قرار نداشته باشد. آنها در میانه رقابت بین این ارزش‌ها و هنجارها تلاش می‌کنند ارزش‌های مورد علاقه خود را انتخاب و بازآفرینی کنند. در نتیجه روند جامعه‌پذیری دینی جوانان با آنچه سیاستگذاران فرهنگی کشور انتظار دارند پیش نخواهد رفت.

مدل تحلیلی پژوهش

مدل تحلیلی مطالعه حاضر را بدین صورت می‌توان ترسیم نمود:



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش. متغیرهای مختلف پژوهش و رابطه علی آنها با همدیگر.



شکل ۲- ابعاد چهارگانه جامعه‌پذیری دینی

فرضیه‌های پژوهش

- میزان سرمایه اقتصادی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- میزان سرمایه اجتماعی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- میزان سرمایه فرهنگی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- میزان ترغیب مدرسه به فعالیت دینی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- وضعیت رفاهی منطقه مسکونی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- میزان مذهبی بودن دوستان بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- تحصیلات پدر و مادر بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.
- وضعیت شغلی پدر و مادر بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.

میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کمی با پیمایش مقطعی انجام یافته است.

انتخاب و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش یعنی تعداد جوانان ۱۸-۲۸ سال استان مرکزی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، حدود ۴۷۰۹۱۷ نفر است که ۵۱ درصد آن را مردان و ۴۹ درصد زنان تشکیل می‌دهند. این جمعیت در ۱۲ شهرستان استان مرکزی توزیع شده است. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (طبقه‌ای و خوشه‌ای) بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ محاسبه گردید که این تعداد به نسبت جمعیت جوانان و مناطق شهرستان‌های مختلف استان مرکزی توزیع گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

جامعه‌پذیری دینی فرآیند آموزش و یادگیری است که از طریق آن انسانها می‌آموزند جهان را به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی ببینند (اینسکیپ، ۱۹۸۸: ۱). متغیر جامعه‌پذیری دینی بر اساس الگوی گلاک و استارک مورد سنجش قرار گرفته است. با الهام از نظریه گلاک و استارک می‌توان گفت که جامعه‌پذیری دینی شامل ابعاد زیر است:

بعد اعتقادی: انتقال و آموزش باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان اعتقاد داشته باشند، مانند اعتقاد به وجود خداوند، وجود نبوت، ائمه و روز قیامت (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۴ و ۲۵).

بعد تجربی یا عواطف دینی: موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آنها خود را با نوعی شعور برتر رویارو می‌بیند. در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی شامل توجه، شناخت، اعتماد یا ایمان و ترس را در بر می‌گرفت. مواردی مانند احساس آرامش پس از انجام مناسک یا زیارت و نزدیکی به خدا در این دسته جای دارند.

بعد پیامدی یا آثار دینی: این بعد ناظر بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد است و بیانگر حضور و وجود اندیشه و حس خداگرانه در متن زندگی است که در رفتار غیر دینی فرد استحکام مییابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۱۰-۱۱). به عبارت ساده‌تر، این بعد شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۱). به عنوان مثال، در نوع نگرش او به مواردی مانند دروغ، غیبت یا ربا.

برای ابعاد سه‌گانه اعتقادی، تجربی یا عواطف دینی، و پیامدی از گویه‌هایی استفاده شده است که پاسخگو میزان مخالفت/ موافقت خود را در قالب طیف لیکرت (بسیارمخالفم/ مخالفم/ بی‌نظر/ موافقم/ بسیار موافقم) مشخص می‌کند.

بعد مناسکی یا عمل دینی: این بعد آموزش اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند، شامل می‌شود (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۰). این بعد مشتمل بر دو دسته است: الف: شعائر یا مناسک فردی ب: شعائر یا مناسک جمعی.

برای سنجش این بعد نیز چندین مناسک فردی و جمعی به پاسخگو ارائه شده است تا فرد میزان عمل به آنها را بر اساس طیف لیکرت (اصلاً" به ندرت/ گاهی اوقات/ اغلب اوقات/ همیشه) مشخص نماید.

ابزار اندازه‌گیری و روایی و پایایی آن

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه با روایی صوری است. احراز روایی صوری با تایید متخصصان و صاحب‌نظران درباره کلیت پرسشنامه و مطلوب بودن آن در جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق به دست آمده است. به منظور سنجش میزان پایایی پرسشنامه از تکنیک همابستگی درونی گویه‌ها یا آلفای کرونباخ استفاده شد. تمامی متغیرهای مورد بررسی، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷ داشتند. متغیر جامعه‌پذیری دینی دارای ابعاد چندگانه است. بر این اساس به منظور برای برآورد اعتبار سازه‌ای مرتبط با سازه جامعه‌پذیری دینی، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. با استفاده از تکنیک مذکور، زیر مجموعه‌های مرتبط با یک بعد و تعداد عوامل قابل قبول با استفاده از دو روش سنگریزه و مقادیر ویژه مشخص شده است.

جدول ۱: برآورد اعتبار سازه‌ای جامعه‌پذیری دینی

نام متغیر چند بعدی	ابعاد	معناداری شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارتل	شاخص کفایت نمونه برداری Kmo	درصد مقدار واریانس تبیین شده
جامعه پذیری دینی	اعتقادی، تجربی، پیامدی، مناسکی (فردی و اجتماعی)	Sig=0/00	۰,۸۵	۶۷

در متغیر جامعه پذیری دینی مقدار واریانس تبیین شده حاکی از این است که حدود ۶۷ درصد از تغییرات عامل جامعه پذیری دینی را ابعاد تعریف شده در این مدل تبیین نموده اند. مقدار آماری کای دو و سطح معنی داری متغیر حاکی از برازش مطلوب مدل است.

تحلیل یافته‌ها و داده‌ها

آمار توصیفی

بافت نمونه: از نظر ترکیب جنسیتی ۵۱ درصد جوانان مورد مطالعه را مردان و ۴۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان از شهرستان اراک، ۲۰ درصد از شهرستان ساوه و بقیه از دیگر شهرستان‌ها هستند. (جدول زیر) از نظر میزان تحصیلات بیشتر جوانان یعنی حدود ۵۳ درصد لیسانس هستند. بیشتر آنها (حدود ۵۲ درصد از پایگاه اقتصادی- اجتماعی متوسطی برخوردار هستند.

جدول ۲: نمونه‌های آماری به تفکیک زنان و مردان جوان ۱۸-۲۸ سال شهرستان‌های مختلف استان مرکزی

ردیف	شهرستان	جمعیت جوان (۱۸-۲۸)			ردیف	شهرستان	جمعیت جوان (۱۸-۲۸)		
		مرد	زن	کل			مرد	زن	کل
۱	اراک	۸۵	۸۱	۱۶۴	۶	دلیجان	۷	۷	۱۴
۲	آشتیان	۲	۲	۴	۷	زرنديه	۹	۸	۱۷
۳	تفرش	۳	۳	۶	۸	ساوه	۳۸	۴۰	۷۸
۴	خمین	۱۳	۱۲	۲۵	۹	شازند	۱۵	۱۴	۲۹
۵	خندان	۷	۷	۱۴	۱۰	فراهان	۴	۳	۷
۶	دلیجان	۷	۷	۱۴	۱۱	کمیجان	۵	۴	۹
۷	زرنديه	۹	۸	۱۷	۱۲	محلات	۸	۷	۱۵
	مجموع	۱۹۶	۱۸۸	۳۸۴		***			

توصیف وضعیت جامعه‌پذیری دینی: برای سنجش جامعه‌پذیری دینی، مولفه‌های مناسکی فردی، مناسکی جمعی، اعتقادی، تجربی و پیامدی طرح شده بودند. نتایج به دست آمده نشان داد: الف- در بعد مناسکی فردی، میزان انتقال ارزش‌های مربوطه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. بر این اساس، حدود ۳۸,۰۳ درصد از جوانان پاسخگو به انجام مناسک فردی پایبند بوده‌اند. در این میان ۴۱,۱۴ درصد نسبت تعهد متوسطی به انجام مناسک فردی دارند، اما درصد پایینی یعنی حدود ۲۰,۳۸ از جوانان در این بعد جامعه‌پذیری در سطح پایینی قرار دارند.

ب- در بعد مناسک جمعی، وضعیت جامعه‌پذیری سطح پایین تری در مقایسه با مناسک فردی دارد. طوریکه حدود ۳۵,۱۵ درصد از جوانان سطح پایینی از جامعه‌پذیری دارند. یعنی حدود ۱۰ درصد بیشتر از مناسک فردی. در این میان حدود ۴۴,۵۳ درصد جامعه‌پذیری متوسط و ۲۰,۳۲ درصد جامعه‌پذیری بالا دارند.

ج- وضعیت در بعد اعتقادی گواه میزان بالای جامعه‌پذیری جوانان است؛ طوریکه بیش از نیمی از جوانان (۵۱,۰۵ درصد) جامعه‌پذیری بالا و فقط ۸,۰۷ درصد آنها جامعه‌پذیری در سطح پایین دارند. در این میان حدود ۴۰,۸۸ درصد نیز جامعه‌پذیری متوسط دارند.

د- جوانان در بعد تجربی جامعه‌پذیری بالایی دارند یعنی حدود ۶۰,۱۶ درصد از آنها ارزش‌های مرتبط با احساسات و تجربه‌های دینی خود را در خود درونی کرده‌اند. در این میان درصد کمی یعنی ۱۳,۰۲ درصد جامعه‌پذیری پایین و ۲۶,۸۲ درصد نیز جامعه‌پذیری متوسط دارند.

ه- در بعد پیامدی جامعه‌پذیری دینی نیز وضعیت جامعه‌پذیری نشان می‌دهد حدود ۴۵,۸۳ درصد در سطح بالا و ۴۳,۴۹ درصد در سطح متوسط قرار دارند و فقط ۱۰,۶۸ درصد در سطح پایین جامعه‌پذیری قرار دارند.

و- در مجموع و کلیت میزان جامعه‌پذیری دینی جوانان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. یعنی ۴۳,۲۳ درصد از آنها میزان بالا و ۳۹,۳۲ درصد نیز از میزان متوسط جامعه‌پذیری دینی برخوردار هستند. در این میان، حدود ۱۷,۴۵ درصد از جوانان نیز از میزان پایین جامعه‌پذیری دینی برخوردار هستند.

جدول ۳: فراوانی مطلق و درصدی ابعاد مختلف جامعه پذیری دینی در سطوح پایین، متوسط و بالا

جمع	بالا		متوسط		پایین		بعد جامعه پذیری دینی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸۴	۳۸,۰۳	۱۴۶	۴۱,۱۴	۱۵۸	۲۰,۸۳	۸۰	مناسکی فردی
۳۸۴	۲۰,۳۲	۷۸	۴۴,۵۳	۱۷۱	۳۵,۱۵	۱۳۵	مناسکی جمعی
۳۸۴	۵۱,۰۵	۱۹۶	۴۰,۸۸	۱۵۷	۸,۰۷	۳۱	اعتقادی
۳۸۴	۶۰,۱۶	۲۳۱	۲۶,۸۲	۱۰۳	۱۳,۰۲	۵۰	تجربی
۳۸۴	۴۵,۸۳	۱۷۶	۴۳,۴۹	۱۶۷	۱۰,۶۸	۴۱	پیامدی
۳۸۴	۴۳,۲۳	۱۶۶	۳۹,۳۲	۱۵۱	۱۷,۴۵	۶۷	جامعه پذیری دینی(کل)

یافته‌های استنباطی: رابطه بین متغیرهای مستقل و جامعه پذیری دینی

به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (جامعه پذیری دینی) از رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج نشان از تایید اکثریت فرضیه‌ها دارد. نتایج نشان می‌دهد بیشتر متغیرهای مستقل بر جامعه پذیری دینی در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد به صورت معنی داری موثر هستند. از میان متغیرهای مختلف متغیرهای سرمایه اجتماعی (با مقدار ۰/۷۹۲)، سرمایه اقتصادی (با مقدار ۰/۵۶۶)، و میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها (با مقدار ۰/۵۴۰) به ترتیب دارای قوی‌ترین تاثیرات بر متغیر تابع هستند. در این میان میزان تحصیلات پدر و مادر کم‌ترین تاثیر را بر جامعه پذیری دینی دارند.

جدول ۴- ضرایب تاثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل بر جامعه پذیری دینی

مقدار t	بتا	متغیرهای مستقل
۱۳,۴۱۹	۰,۵۶۶	سرمایه اقتصادی
۲۵,۳۲۲	۰,۷۹۲	سرمایه اجتماعی
۶۰,۲۱۴	۰,۲۵۱	سرمایه فرهنگی
۵۶,۸۹۱	۰,۲۴۶	میزان ترغیب مدرسه به فعالیت‌های دینی
۱۰,۰۶۲	۰,۵۴۰	میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها
۱۰,۹۱۰	۰,۲۲۹	میزان مذهبی بودن دوستان
۶۵,۰۸۱	۰,۳۵۸	میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی
۷۴,۲۶۲	۰,۴۶۷	خانواده مذهبی
۵,۸۵۰	۰,۱۲	تحصیلات پدر
۶,۰۸۰	۰,۱۴	تحصیلات مادر
۱۰,۲۱۰	۰,۲۸۰	وضعیت رفاهی منطقه زندگی

عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دینی: به منظور تعیین سهم و تاثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (جامعه‌پذیری دینی از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. در تحلیل نهایی رگرسیون متغیر «جامعه‌پذیری دینی»، به شیوه همزمان از مجموع متغیرهای مختلف مستقل که وارد تحلیل شده‌اند، متغیرهای زیر معنی‌دار هستند: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، میزان ترغیب مدرسه به فعالیت‌های دینی، میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها، میزان مذهبی بودن دوستان، میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی، خانواده مذهبی و وضعیت رفاهی منطقه زندگی. سایر متغیرها رابطه معناداری از خود نشان ندادند. یافته‌های تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که اثر خالص متغیر سرمایه اجتماعی بیش از دیگر متغیرهای مستقل می‌باشد.

مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۲۲ نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۰۸ نیز نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مستقل، ۵۰/۸ درصد یعنی نیمی از واریانس متغیر میزان جامعه‌پذیری دینی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۵- نتایج رگرسیون متغیر جامعه‌پذیری دینی بر متغیرهای مستقل به روش همزمان

متغیرهای مستقل	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده بتا (Bete)	مقدار t	سطح معنی‌داری (Sig)
سرمایه اقتصادی	۰,۰۵۶۶	۱۳,۴۱۹	۰,۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰,۷۹۲	۲۵,۳۲۲	۰,۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰,۲۵۱	۶۰,۲۱۴	۰,۰۰۱
میزان ترغیب مدرسه به فعالیت‌های دینی	۰,۲۴۶	۵۶,۸۹۱	۰,۰۰۱
میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها	۰,۵۴۰	۱۰,۰۶۲	۰,۰۰۰
میزان مذهبی بودن دوستان	۰,۲۲۹	۱۰,۹۱۰	۰,۰۰۱
میزان دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی	۰,۲۵۸	۶۵,۰۸۱	۰,۰۰۰
خانواده مذهبی	۰,۴۶۷	۷۴,۲۶۲	۰,۰۰۰
تحصیلات پدر	۰,۱۲	۵,۸۵۰	۰,۱۲
تحصیلات مادر	۰,۱۴	۶,۰۸۰	۰,۱۰
وضعیت رفاهی منطقه زندگی	۰,۲۸۰	۱۰,۲۱۰	۰,۰۰۱
نتایج تحلیل واریانس	F	۳۹/۰۵۶	
	Sig.		۰/۰۰۰
ضریب تعیین R2		۰/۵۲۲	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۰۸	

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش نشان دهنده تأثیرات عناصر مختلف بر جامعه‌پذیری دینی جوانان دارد. در باب تأثیر میزان سرمایه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر جامعه‌پذیری دینی، بر اساس نظریه بورديو می‌توان گفت که جوانان در ساختار میدان یا زمینه، از جمله سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در اختیار، تحت تأثیر جامعه‌پذیری دینی قرار دارند. هر گونه تغییر در این سرمایه‌ها در جامعه‌پذیری جوانان نیز بازتاب می‌یابد. همچنین نتایج مویدی بر تأثیر میزان معاشرت با دوستان مذهبی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد است. گروه دوستان به عنوان گروه مرجع، عنصر مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری است، زیرا می‌تواند رفتار و شخصیت فرد را با همان قدرتی که شخص به آن احساس وفاداری می‌کند، شکل دهد. گروه مرجع دوستان هم نقش هویت دهی و هم نقش قضاوتی دارد. گروه‌های همسال به صورت رقیبی برای جامعه‌پذیری جوانان در محیط خانواده محسوب می‌شود. بر این اساس معاشرت با دوستانی که دینداری بالایی دارند موجب می‌شود فرد جوان نیز به تقلید از آنها دینداری بالایی داشته باشد و یا نگرش دینی او بر اساس این معاشرت همسان شود. همچنین میزان ترغیب مدرسه به فعالیت مذهبی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد موثر است. این نتایج همراستا با پژوهش کوهن، اسکاچر و ریچ (۲۰۱۴) و کولت سابی (۲۰۰۷) پارک و ایکلود (۲۰۰۷)، هیمل فارب (۲۰۰۵) و جارویس (۱۹۷۴) قرار دارد. بر اساس نظریه‌ی گیدنز نظام‌های آموزشی به ویژه مدارس از جمله نهادهای جامعه‌پذیری دینی هستند که مجموعه‌ای از قواعد، منابع و فعالیت‌های تولید و بازتولید کنش اجتماعی را فراهم می‌کنند. فعالیت‌های مرتبط با جامعه‌پذیری دینی جوانان از جمله آموزش مفاهیم دینی، اعتقادات و باورهای مذهبی، عمل به مناسک دینی و سبک زندگی دینی و مذهبی و به کارگیری تفکرات و نگرش‌های مذهبی در روابط فردی و اجتماعی در مدارس ایران مطابق با قواعد و منابع آنها قابل تحقق است. بخش مهمی از این جامعه‌پذیری بر اساس آموزش کتاب‌های هدیه‌های آسمان و قرآن مقاطع ابتدایی و دبیرستان تحقق می‌یابد. مدارس با گروه مرجع مهم معلمان و گروه همسالان نقشی مهم در هویت دهی و ایفای نقش قضاوتی درباره اعتقادات، مناسک و نگرش‌های دینی دارند.

نتایج پژوهش مبنی بر اثر گذاری میزان بهره‌گیری اخبار و مباحث دینی رسانه‌ها بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد بر اساس نظریه گیدنز اینگونه قابل توجیه است که رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های مجازی مانند تلگرام، واتساب، و اینستاگرام می‌توانند با فراهم نمودن امکان تعامل و شبه تعامل رسانه‌ای باعث جدایی فضا و زمان و برقراری مجدد آنها در گستره‌های نامحدود زمان و فضا شوند. جوانان با رسانه‌های شبکه‌های مجازی مانند تلگرام، واتساب، و اینستاگرام می‌توانند

ارزش‌های نهادهای جامعه‌پذیری محل زندگی خود را با دیگر مناطق مقایسه کنند. این مساله موجب شده است که آنها در کنار ارزش‌ها و هنجارهای دینی که توسط نهادهای رسمی ارائه می‌شود ارزش‌ها و هنجارهای دیگری را در اختیار داشته باشند که ممکن است با ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعه ایران متضاد باشد. آنها در میانه رقابت بین این ارزش‌ها و هنجارها تلاش می‌کنند ارزش‌های مورد علاقه خود را انتخاب و بازآفرینی کنند. در نتیجه روند جامعه‌پذیری دینی جوانان ایرانی با آنچه متولیان دینی کشور انتظار دارند همسان نخواهد بود و این تاثیر رسانه‌ها را بر جامعه‌پذیری دینی به مساله ای چالش برانگیز تبدیل می‌کند. رسانه‌ها همچنین معرفی کننده گروه‌های مرجع دینی در جامعه هستند. میزان به رسمیت شناخته شدن این افراد به عنوان گروه مرجع توسط جوانان، تاثیرگذاری فرایند جامعه‌پذیری دینی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان دهنده تاثیر میزان مذهبی بودن دوستان بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد است. گروه دوستان به عنوان گروه مرجع، این توانایی را دارند که رفتار و شخصیت فرد را با همان قدرتی که شخص به آن احساس وفاداری می‌کند، شکل دهند. در نتیجه وقتی فرد با دوستانی نشست و برخوردار دارد که اعتقادات قوی دینی دارند و به مناسک دینی و اجرای آنها پایبند هستند جامعه‌پذیری دینی در آنها تسهیل می‌شود.

نتایج پژوهش در تاثیر میزان زندگی در خانواده مذهبی و دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی بر میزان جامعه‌پذیری دینی فرد همراستا با پژوهش کوهن، اسکاچر و ریچ (۲۰۱۴) و کولت سابی (۲۰۰۷)، پارک و ایکلود (۲۰۰۷)، هیمل فارب (۲۰۰۵) و هانسبرگر و براون (۱۹۸۴) قرار دارد. آرنه با طبقه بندی «جامعه‌پذیری باز و بسته» بر جنبه فرهنگی جامعه‌پذیری خانوادگی تاکید می‌کند. بر این اساس در این دو نوع خانواده میزان جامعه‌پذیری دینی متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر نوع تربیت و توزیع قدرت در خانواده عاملی مهم در جامعه‌پذیری دینی آنهاست. جامعه‌پذیری بسته در خانواده‌های با فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ پدرسالاری، ارزش‌ها و هنجارهایی مبتنی بر اطاعت و همنوایی استیلا دارد. بر اساس نظریه گروه مرجع نیز خانواده برای جوانان مهمترین گروه مرجع در جامعه‌پذیری دینی محسوب می‌شود. چون جوانان بیشتر زندگی خود را در کنار خانواده سپری می‌کنند خانواده به عنوان گروه مرجع، کنشها، رفتارها، انگیزه‌ها و تصورات دینی و مذهبی، دوری‌ها و پیش داوری‌ها و جهت گیری‌های دینی جوانان را شکل می‌دهند.

براساس نتایج آزمون فرضیه‌ها، پیشنهادهای زیر را می‌توان به متولیان امور جامعه‌پذیری دینی جوانان ارائه نمود:

الف- ارتقای سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ارتقای سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی عاملی مهم در جهت بهبود فرایند جامعه پذیری دینی است. بر این اساس باید به راهکارهایی که به این موضوع کمک می‌کنند توجه نمود. بهبود وضعیت معیشت و امرار معاش آنها زمانی محقق می‌شود که ابزارهای اشتغال و در آمد کافی در جامعه مورد حمایت جدی قرار گیرد. با تشدید آثار تحریم بسیاری از طبقات متوسط جامعه، سرمایه اقتصادی خود را از دست داده و به طبقات پایین جامعه سقوط کرده اند. این مساله تاثیری منفی بر فرایند جامعه پذیری دینی داشته است. از طرف دیگر کاهش سرمایه اقتصادی، تنزل سرمایه فرهنگی و اجتماعی و اعتماد اجتماعی را تشدید کرده است. به عبارت دیگر کاهش سرمایه اقتصادی، به نحیف شدن دیگر سرمایه نیز منجر شده است و موجب اختلال جدی در فرایند جامعه پذیری دینی شده است. این مساله از آنجا در جامعه تشدید شده است که حاکمیت در جامعه ایران حاکمیتی متناسب به دین بوده و دینداری عاملی مهم در سیاست‌های حاکم بر آن بازی می‌کند.

ب- توجه به آیین دوست یابی در نظام آموزشی و خانوادگی: معاشرت با دوستان هم در بعد جامعه پذیری دینی موثر است. در نتیجه نظام آموزش و پرورش و تربیت خانوادگی باید درباره نحوه دوست یابی حساسیت ویژه‌ای داشته باشد.

ج- ترغیب جوانان به فعالیت دینی در نظام آموزشی: لازم است نظام آموزشی مدرسه با ترغیب آنها به فعالیت دینی به کنترل فرایند جامعه پذیری دینی کمک نماید.

د- ایجاد اعتماد و مرجعیت رسانه‌های داخلی: با عنایت به تاثیر بهره‌گیری اخبار و مباحث سیاسی رسانه‌ها بر جامعه‌پذیری رسانه‌ها، ایجاد اعتماد رسانه‌ای برای ترغیب استفاده از رسانه‌های داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وقتی در رقابت بین رسانه‌های داخلی و خارجی، مرجعیت رسانه‌های داخلی مورد تردید قرار گیرد و اعتماد به آنها کاهش یابد، معلوم است که در فرایند جامعه پذیری اختلال ایجاد خواهد شد. این مساله به ویژه در شرایط کنونی که عصر انفجار اطلاعات به واسطه رشد گسترده شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است و خود جوانان علاوه بر دریافت کننده اطلاعات به عنوان تولید کننده محتوای رسانه ای نیز محسوب می‌شوند اهمیت ویژه ای دارد.

ه- اصلاح شیوه تربیت خانوادگی با آموزش خانواده: شیوه تربیت خانوادگی نیز عنصری مهم و موثر بر جامعه‌پذیری دینی جوانان محسوب می‌شود. هر چقدر خانواده از سبک زندگی دموکراتیک تری پیروی کند و اعضای خانواده به نظرات همدیگر بیشتر احترام قایل بشوند موجبات تسهیل جامعه پذیری بیشتر فراهم می‌شود. اصلاح شیوه‌های تربیت خانوادگی در حیطه آموزش خانواده

قرار دارد که این کار توسط مدارس، رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما و مراکز مشاوره خانواده قابل تحقق است. فعال کردن انجمن‌های اولیاء و مربیان در این زمینه بسیار حیاتی است.



شکل ۳- راهکارهای بهبود جامعه‌پذیری دینی

منابع

- ۱- آگ، برن و نیم، کف (۱۳۵۲). زمینه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس امیر حسین آریانپور، تهران، انتشارات دهخدا.
- ۲- ایازی، سیدعلی نقی، و مرویان حسینی، سید محمود. (۱۴۰۰). جامعه‌پذیری دینی در آموزه‌های قرآن مطالعه موردی نهاد خانواده. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۷(۲ (پیاپی ۱۲۴))، ۲۵-۴۸. <https://sid.ir/paper/999776/fa>. SID.
- ۳- پیشگر، زری (۱۳۸۷)، مفهوم شناسی دین، فصلنامه خط اول، سال دوم، شماره ۶، پاییز.
- ۴- حکیم زاده، رضوان، و موسوی، سیدامین. (۱۳۸۷). آموزش ارزش‌ها در محتوای کتاب‌های درسی دینی دوره راهنمایی: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی برای وضعیت مطلوب. مطالعات برنامه درسی، ۳(۱۱)، ۹۵-۱۱۷. <https://sid.ir/paper/101173/fa>. SID.

- ۵- دلاوری، ابوالفضل (۱۴۰۲) تحلیل چندلایه‌ای اعتراضات اخیر و چشم‌اندازهای آینده، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران، تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۲، <http://www.isa.org.ir>
- ۶- ریتزر، جرج (۱۳۸۳) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- ۷- سراج زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز (۱۳۸۰) بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، نامه پژوهش: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال پنجم شماره ۲۰، ۲۰-۲۱.
- ۸- شفرز، برنهارد (۱۳۸۶) مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: شرنی.
- ۹- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، و هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۱)، گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- ۱۰- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰) دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۱- علم، قربان (۱۳۸۶) منشا دین از دیدگاه پیتر ال. برگر، ترجمه مهدی حسن زاده، فصلنامه مقالات و بررسیها، شماره ۲ (پیاپی ۸۳، ۱۳۸۶)، ۶۷.
- ۱۲- فروتن، یعقوب. (۱۳۹۲). استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران. مطالعات ملی، ۱۴ (۱) (۵۳)، ۷۳-۹۶. <https://sid.ir/paper/480813/fa>. SID.
- ۱۳- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲) استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران، مطالعات ملی، دوره ۱۴، شماره ۱، ۷۳ - ۹۶.
- ۱۴- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، دارالکتب اسلامی، چاپ ششم.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۹۲)، فرهنگ معین، نشر امیرکبیر.
- ۱۷- مهرمحمدی، محمود، و صمدی، پروین. (۱۳۸۲). بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه. نوآوری‌های آموزشی، ۲ (۳)، ۳۴-۹. <https://sid.ir/paper/75639/fa>. SID.

منابع انگلیسی

- 18- Arnet, J.J. (1995), Broad and Narrow Socialization: The Family In The Context Of A Cultural Theory". Journal of Marriage and the Family, Vol, 57. pp, 617-628.

- 19- Berger, P. L. (1967). *The sacred canopy*, Garden city, New York: Doubleday.
- 20- Bourdieu, Pierre. (1984) *Questions De Sociology*; Les Editions Deminunit 7;rue Bernard palissy;paris.
- 21- Cohen-Malayev M. Schachter E. P. & Rich, Y. (2014), Teachers and the religious socialization of adolescents: Facilitation of meaningful religious identity formation processes. *Journal of Adolescence*, 37(2), 205-214.
- 22- Collet Sabe, J. (2007); "The crisis in religious socialization", *Social Compass*, 54(1):97-111.
- 23- Cornwall, C. (1987); "The social bases of religion: a study of factors influencing religious beliefs and commitment", *Review of Religious Research*, 29: 44-56.
- 24- Glock, Charles Y, & Rodney, Stark (1965) *Religion and Society in Tension*. Chocago: Rand McNally & Company.
- 25- Hamplova, D. and Nespov, Z. R. (2009); *Invisible religion in a non-believing country: the case of the Czech Republic*, *Social Compass*, Vol. 56, no. 4 :581-597.
- 26- Himmelfarb, H. S. (2005); *Agents of religious socialization among American Jews* *Sociological Quarterly*, Vol. 20, Issue 4, PP 477-494.
- 27- Hunsberger, B. and Brown, L. B. (1984); *Religious Socialization, apostasy, and the impact of family background*, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 23, no. 3, PP239-251.
- 28- Inskeep K. W. (1988); *Religious Socialization*, Office for Research, Planning and Evaluation, Evangelical Lutheran Church in America
- 29- Jarvis, P. (1974); *Religious socialization in the junior school*, *Educational Research*, Vol16, Issue 2: 100-106.
- 30- Kuper, A. and Kuper, J. (1996). *The Social Scienc Encyclopedia*, second edition, London and New York, Routledge Press.
- 31- Michener, H. A., et al. (1990); *Social Psychology*, Second edition, New York: Harcourt Brace Jovanovich
- 32- Park, J. Z. and Ecklund, E. H. (2007), *NEGOTIATING CONTINUITY: Family and Religious Socialization for Second-Generation Asian Americans*. *The Sociological Quarterly*, 48: 93-118.
- 33- Pluss, C. (2007); *Analysing non-doctorinal socialization:*, *British Journal of Sociology*, Vol58, Issue 2, PP 253-275.